

مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید
که ز انفاس خوشش بوی کسی می آید
حافظ

دولت مهدی علیه السلام
یکتا پرچمدار انقلاب و عدالت اجتماعی
و
موعود کلّ ملل

مؤلف: آية الله العظمی صادقى تهرانى (رضوان الله تعالى علیه)

تحقیق و تصحیح:
حجة الإسلام علی چراتیان

این سخن کوتاه در ایّام ولادت با سعادت
حضرت مهدی محمّد بن الحسن، قائم آل محمّد ﷺ
به پیشگاه مقام منیعش تقدیم می شود
و انتظار می رود این ناچیز را به بزرگی خود بپذیرد.
محمّد صادقی - لسان المحقّقین

بسم الله الرحمن الرحيم

مصحح بر خود لازم می‌داند از استاد محترم حجة الإسلام محسن نورانی زید عزّه کمال تشکر را نماید که با راهنمایی‌های سودمند خود، در ویرایش این کتاب ارزشمند، از هیچ کمکی دریغ ننمودند. ضمناً تمامی مطالبی که بین [] قرار گرفته توسط مصحح اضافه شده است. با آرزوی تعجیل در فرج آقا و مولایمان ولی امر مسلمین جهان، حضرت بقیه الله الأعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف برای تحقق بخشیدن عملی به احکام قرآن.

علی چراتیان

۱ / ۹ / ۱۳۹۳

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾^۱ «سوره قصص، آیه ۵»

درخشان‌ترین اعصار زندگی بشر دوران‌هایی است که کاروان جهان بشریت به رهبری رجال وحی به سوی اهداف مقدس آفرینش رهسپار بوده و می‌توانسته است در پرتو اشعه تابناک آن بزرگ‌مردان الهی راه‌های رستگاری و سیادت خود را از چاه‌های ژرف و هولناک تیره‌بختی و انحراف بشناسد.

﴿وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ﴾^۲ «سوره بلد، آیه ۱۰»

جز آنکه احیاناً این خورشیدهای فروزان بر اثر کارشکنی و خودسری گروهی نادان و خودخواه چهره کسوف به خود می‌گرفته و در پس این سیاه ابرهای ضخیم از جوامع بشری رخ پنهان می‌داشته و آن‌گونه که شاید اهداف مقدس پیمبران ﷺ نقش عمل بر صفحه روزگار نمی‌بسته است.

بشر با در دست داشتن قوانین آسمانی، از افکار و پندارهای جاهلانه و هوس‌های اهریمنی خویش، پیروی نموده و نتیجه‌اش این زندگی جهنمی و بی‌بند و بار است که دائماً بر زبانه‌ها و شعله‌هایش افزوده می‌شود و کردارهای ناپسند و بی‌رویه هواپرستان به زوال و انقراض جهانی تهدیدشان می‌کند.

هرچه پیش می‌رویم سوانح و حوادثی ناهنجارتر به چشم می‌خورد و بالاخره آنچنان ظلم و انحراف در قلب اجتماع متراکم می‌شود که بدون تردید در آینده دچار انفجاری سخت و جهان‌سوز خواهد شد.

در چنان زمینه خطرناک، رحمت بی‌پایان الهی مقتضی است تا شایسته‌ترین پرچمداران عدالت را برانگیزد که بر محور عدالت حقیقی با انقلابی جهانی بزرگ‌ترین مدینه فاضله را بنیان نهند.

باش تا صبح دولت بدمد کاین هنوز از نتایج سحر است

شایان توجه است که اگر احیاناً آثاری از تربیت و ادب انسانی در جوامع بشری دیده می‌شود و در تمام دوران‌های زندگی، نمونه‌های بارزی از اینگونه تربیت‌های الهی مشاهده شده، بی‌تردید همه آنها از نتایج سحر دولت کریمه و اشعه تعالیم انبیای الهی است که ظلمات جهل و طغیان بشری را شکافته و خودنمایی می‌نماید.

﴿دَوْلَتْنَا أَحْرُ الدُّوَلِ﴾^۳

۱. و (ما) می‌خواهیم بر کسانی که در زمین ناتوان برگرفته شده‌اند منت نهیم، و آنان را پیشوایان (دیگران) کنیم، و وارثان (فرعونیان) قرارشان دهیم. «ترجمان وحی»

۲. و هر دو راه (خیر و شر) را در بلندای نمایان‌شان بدو نمودیم؟ «ترجمان وحی»

۳. الغيبة للشيخ الطوسي الفضل عن علي بن الحكم عن سفيان الجري عن أبي صادق عن أبي جعفر عليه السلام قال: دَوْلَتْنَا أَحْرُ الدُّوَلِ وَ لَنْ يَبْقَى أَهْلُ بَيْتِ لَعْمٍ دَوْلَةٌ إِلَّا مَلَكُوا قَبْلَنَا لَوْلَا إِذَا رَأَوْا سِرَّتَنَا إِذَا مَلَكْنَا سِرَّتَنَا مِثْلَ سِيرَةِ هَؤُلَاءِ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ «أعراف / ۱۲۸ و قصص / ۸۳». «بحار الأنوار، ج ۵۲ ص ۳۳۲، ح ۵۸» ترجمه: «دولت ما (دولت مهدی عجل الله فرجه الشريف)، آخرین دولت‌ها است؛ هیچ خاندانی که حکومتی برای آن، مقدر شده باشد، نیست؛ جز آنکه پیش از او به حکومت می‌رسد؛ تا کسی نگوید: اگر ما نیز به قدرت می‌رسیدیم، این چنین، رفتار می‌کردیم و آن گفتار خدای عز و جل است که می‌فرماید: و فرجام (نیک) برای پرهیزگاران است. * الإرشاد رَوَى عَلِيُّ بْنُ عُقْبَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَ ارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ وَ أَمِنَتْ بِهِ السُّبُلُ وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتَهَا وَ رَدَّ كُلُّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِهِ وَ لَمْ يَبْقَ أَهْلٌ دِينٍ حَتَّى يُظْهِرُوا الْإِسْلَامَ وَ يَعْرِفُوا بِالْإِيمَانِ أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَقُولُ: ﴿وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾ «آل عمران / ۸۳» وَ حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ حَكَمَ مُحَمَّدٌ ﷺ فَجَبَنَدَ ظُهُرَ الْأَرْضِ كُتُوبَهَا وَ تَبَدَّى بَرَكَاتُهَا وَ لَا يَجِدُ

ولی از آنجا که هر سحری را صبح روشن در پیش است و تگه‌های ناچیز ابر را هرگز استقامتی در برابر جرم عظیم خورشید نیست ...

در پایان کار، بشر بر تخت نیکبختی خواهد نشست و این زندگی جهنمی و تباه سر از حیاتی درخشان برون خواهد آورد.

بشارت عظیم، روزنه امید

خبر این آینده درخشان با الحان گوناگون از منطق رجال وحی ﷺ به ما رسیده و پیمبران الهی ﷺ این نغمه دلنشین را با ندای بلند بر تمامی امم رسانده‌اند که: جهان در پایان کار بر محور عدل و ایمان گردش کند و زمام بشریت به دست با کفایت بندگان صالح و برگزیده خدا افتد و حکومت بیدادگران برای همیشه منقرض شود و ...

آخرین دولت جهانی

نمونه‌ای از پیش‌گویی‌های پیمبران و غیرهم، راجع به حکومت عدل جهانی در زمان آخرین:^۴

۱. پیشگویی زردشت

در کتاب گاتها که کهن‌ترین بخش از اوستای زردشت است گوید:

و هنگامی که سزای این گناهکاران فرا رسد، پس آنگاه ای مزدا کشور تو را بهمن^۵ در پایان برپا کند از برای کسانی که دروغ را به دست‌های راستی سپردند و خواستاریم از آنانی باشیم که زندگی تازه کنند. آری آنگاه به کامیابی، جهان دروغ را شکست از پی رسد. «گاتها، ص ۲۴، ترجمه پورداود»

چنانکه از پیشگویی فوق مستفاد می‌شود: آخرین دولت پر اقتدار جهانی که به دست کفایت «بهمن» نماینده قدرت و منش نیک و راستی و پارسایی پروردگار در پایان روزگار تشکیل خواهد شد، در زمینه‌ای است که شر و فساد جهان‌گیر شده و وقت آن رسیده که گناهکاران به پاداش سخت دنیوی خود رسند و بهمن زمام تمامی قدرت‌های جهان را از دست تبه‌کاران گرفته، در اختیار کسانی گذارد که در طول زندگی خود «دروغ را به دست‌های راستی سپردند» و جز بر منهج مستقیم و راه صلاح و عدالت قدم نهاده‌اند، این زندگی تازه و حیات درخشان نوین است که زردشت در ذیل پیشگویی خود از «اورمزد» خواسته که در زمره آن برگزیدگان و صالحان قرار گیرد، آن هنگام عدل و راستی کامیاب و جهان بیدادگری و دروغ را شکست و زوال ابدی از پی رسد.

الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَوْمِيذٍ مَوْضِعًا لِّصَدَقَتِهِ وَ لَا لِيَرَهُ لِسْمُولِ الْغِنَى جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ ثُمَّ قَالَ: إِنَّ دَوْلَتَنَا آخِرُ الدُّوَلِ وَ لَمْ يَبَقْ أَهْلُ بَيْتِ لَغَمٍ دَوْلَةٌ إِلَّا مَلَكُوا قَبْلَنَا لَنَلَّا يَشْؤُلُوا إِذَا رَأَوْا سِيرَتَنَا إِذَا مَلَكْنَا سِرْنَا بِمِثْلِ سِيرَةِ هَؤُلَاءِ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾. «بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸، ح ۸۳»

۴. تفصیل سخن در پیرامون بشارات انبیاء ﷺ راجع به حضرت محمد ﷺ و محمد بن الحسن ﷺ در کتاب «بشارات عهدین» مذکور است.

۵. «بهمن» - چنانکه در تفسیر گاتها نوشته آقای پورداود مذکور است - نماینده قدرت و منش نیک و راستی و پارسایی مزدا (خدا) است.

و نیز در صفحه ۹۸ گاتها به این آینده درخشان اشاره کرده و آن را به نام «بامداد روز» خوانده؛ گوید: کی ای مزدا «بامداد روز» فراز آید، جهان دین راستین فرا گیرد، با آموزش‌های افزایش‌بخش پر خرد رهاندگان، کیانند آنانی که بهمن به یاریشان خواهد آمد؟ از برای آگاه ساختن، من، تو را برگزیدم.

در پیشگویی فوق، بهمن زمامدار آخرین دولت جهانی معرفی شده که در «بامداد روز» یعنی صبح دولت و حکومت حق الهیه، دین راستین را بر سراسر جهان منتشر سازد^۶ و آموزش‌های افزایش‌بخش پر خرد رهاندگان، یعنی اشعه تابناک تعالیم پیمبران الهی را بر تمامی عقول و افکار تابش دهد و زردشت از کسانی است که برای نشر این بشارت بزرگ برگزیده شده که بشریت را به چنان آینده درخشانی امیدوار کند.

۲. پیشگویی زند

و در کتاب زند که تفسیر اوستای زردشت است گوید: لشکر اهریمنان با ایزدان^۷ دائم در روی خاکدان محاربه و کشمکش دارند، و غالباً پیروزی با اهریمنان باشد اما نه به طوری که بتوانند ایزدان را محو و منقرض سازند، چه: در هنگام تنگی از جانب «اورمزد» که خدای آسمان است با ایزدان که فرزندان اویند یاری می‌رسد و محاربه ایشان نه هزار سال طول می‌کشد،^۸ آنگاه پیروزی بزرگ از طرف ایزدان می‌شود و اهریمنان را منقرض می‌سازند، و تمام اقتدار اهریمنان در زمین است و در آسمان راه ندارند، و بعد از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده، بنی آدم بر تخت نیکبختی خواهند نشست.

و در کتاب جاماسب (جاماسب نامه) این زمامدار جهانی را معرفی کرده گوید: «مردی بیرون آید از زمین تازیان از فرزندان هاشم، مردی بزرگ سر و بزرگ تن و بزرگ ساق، و بر دین جد خویش بود، با سپاه بسیار. و روی به ایران نهد و آبادانی کند و زمین پر داد کند و از داد وی باشد گرگ با میش آب خورد و مردم بسیار شوند و عمر دیگر بار به درازای کشد و گردد، چنانکه مردی بود که او را پنجاه فرزند بود نر و ماده، و کوه و دشت پر از مردم شود و پر از حیوان شود و همچون عروسی شود و همه کس به دین مهر آزمای بازآیند و جور و آشوب از جهان برخیزد چنانکه فراموش کنند که چون سلاح باید داشتن و اگر وصف نیکویی آن کنم تلخ گردد این زندگانی که ما بدو اندریم.»

کلمه «مهر آزمای» در کتاب «جاماسب» نام مبارک حضرت محمد بن عبدالله ﷺ است: که در دولت باسعادت مهدی آل محمد ﷺ همگی ملل به دین مقدس وی (اسلام) باز آیند.

۶. مقصود از دین راستین بر خلاف اندیشه زردشتیان آئین زردشت نیست؛ زیرا چنانکه از این دو پیشگویی روشن است، «بهمن» غیر زردشت می‌باشد و رسالت وی برای آگاه ساختن بشریت است که چنان زندگی درخشانی در پیش دارند.

۷. ایزدان یعنی خداپرستان و صالحان.

۸. جمله فوق که وقت فرج را تعیین نموده، برخلاف نصوص متواتره اسلام است که «كَذَّبَ الْوَقَّاتُونَ». [بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۱۷، ح ۴۴] به منابع دیگر مانند: کافی، الغیبه نعمانی و شیخ طوسی، الخرائج و الجرائح، احتجاج طبرسی و ... مراجعه شود.]

بقیه جملات فوق با کمال وضوح، بشارت از یک انقلاب کلی جهانی است به دست مردی از فرزندان هاشم (محمد بن الحسن علیّه السلام) که بر دین جدّ خویش بود: «الْمَهْدِيُّ مِنْ وَلَدِي ...»^۹ و زمین را پر از عدل و داد کند: «... يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مِلْتَتْ ظُلُمًا وَ جَوْرًا ...»^{۱۰} و از شدت عدالت وی، گرگ با میش آب خورد: «... تَصْطَلِحُ فِي مَلِكِهِ السَّبَاعُ ...»^{۱۱} و ...

این انقلاب جهانی با سلاح سرد انجام خواهد گرفت

«يَقُومُ بِالسَّيْفِ»^{۱۲}

گرچه در بدو نظر پذیرفتن این مطلب بسی دشوار و بلکه محکوم است به پیشرفت محیرالعقول سلاح‌های جنگی اتمی و هیدروژنی و مافوق آنها، ولی با این روئے خطرناک که بشریت در تهیّه وسایل جنگی پیش گرفته، نسل انسان و بلکه عموم جانداران را تهدید به زوال و انقراض می‌کند و بالاخره بشر برای حفظ خود از انقراض کلی ناچار است که چاره‌ای اندیشد و نمونه این اندیشه نغمه تحریم آزمایش‌های اتمی و هیدروژنی و مانند آنها است که اکنون از اکناف جهان به گوش می‌خورد، از این زمینه به خوبی می‌توان پیش‌بینی کرد که چنانچه بشر خود را در آستانه چنان انقلاب عظیمی بنگرد اصولاً دست به تحریم سلاح‌های آتشین زند و راه ارتجاع به سلاح‌های سرد را در پیش گیرد و نبردهای بی‌رحمانه‌ای که دوست را از دشمن نمی‌شناسد و همچنین کشتارهای دسته‌جمعی، به جنگ‌های تن به تن و مانند آن مبدل گردد.

و از طرفی هم هنگامی که بشریت خود را گرفتار زبانه‌های شدید جهنم اجتماع بیدادگرانه و وحشیانه بنگرد و روزنه امید از هر سو به رویش بسته شود، این زبانه‌های متراکم در قلب خونین اجتماع خواه و ناخواه آمادۀ یک انقلاب جهانی گردد و در چنان زمینه خطرناکی، یکتا پرچمدار عدل و طرفدار صلاح و اصلاح قیام نماید، به خوبی می‌توان پیش‌بینی کرد که پندار مبارزه و کارشکنی در برابر این مصلح جهانی از میان برود و اگر هم احیاناً گروهی دچار این پندار جاهلانه شوند، در برابر نیروی آهنین آن یگانه پیشوای عدل، و پشتیبانی افکار عمومی محکوم به زوال گردند.

روی هم‌رفته این پندار که: چگونه پرچمدار انقلاب با سلاح سرد قیام می‌کند و چطور ممکن است شمشیر در برابر نیروهای اتمی و هیدروژنی استقامت کند؟! پنداری است خام و سطحی و خالی از تأمل و تحقیق.

قیام به شمشیر توسط زمامدار آخرین دولت جهانی در کتب پیغمبران الهی مکرراً پیش‌بینی شده و ذیلاً نمونه‌ای از آنها بیان می‌شود:

در (کتاب مکاشفات یوحنا لاهوتی، فصل ۲، آیه ۲۶ الی ۲۹) گوید: و هر کس که غالب آید و تا انجام اعمال مرا نگه دارد وی را بر قبائل اقتدار خواهیم داد (۲۶) که بر آنها به عصای آهنین حکمرانی خواهد کرد که چون کوزه‌های کوزه‌گری خورد

۹. به عنوان نمونه: بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۰۹، ح ۱۴۸ به نقل از پیامبر اکرم ﷺ [

۱۰. پیامبر اکرم ﷺ: «... فَيَبْعَثُ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ عَتَرَتِي أَهْلَ بَيْتِي فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مِلْتَتْ ظُلُمًا وَ جَوْرًا يَرْضَى عَنْهُ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ ...» «ابن

طاووس، علی بن موسی، الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، ج ۱، ص ۱۷۷، ایران، قم، چاپ: اول، ۱۴۰۰ق» به منابع دیگر مانند: الغیبه نعمانی و شیخ طوسی، توحید شیخ صدوق، احتجاج طبرسی، بحار الأنوار و ... مراجعه شود.]

۱۱. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۰، ح ۴ و ج ۵۲، ص ۲۸۰، ح ۶]

۱۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۵۸، ح ۲۱ به منابع دیگر مانند: الغیبه نعمانی و شیخ طوسی، ارشاد شیخ مفید و ... مراجعه شود.]

می‌شوند به نوعی که من از پدر خود یافته‌ام (۲۷) و من او را ستارهٔ سحری خواهم داد (۲۸) هر کس که گوش دارد بشنود که روح به کلیساها چه می‌گوید. (۲۹)

یوحنا لاهوتی در پیش‌گویی فوق که از زبان حضرت مسیح علیه السلام بیان کرده، قدرت زمامدار جهانی را در زمان آخرین چنان معرفی کرده که با عصای آهنین (شمشیر) بر تمامی طوائف و امم غالب آید و مخالفین این حکومت الهیه به اندازه‌ای ناچیز خواهند بود که مانند کوزه‌های کوزه‌گران خورد و شکسته شوند. در پیشروی او ستارهٔ سحری است، ستارهٔ سحری آیین درخشان قرآن که شب یلدای حیات ظلمانی و زندگی جهنمی بشر را به عصری درخشان و حیاتی روح‌بخش و بهشتی مبدل سازد.

«... يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مِلَّتْ ظُلُمًا وَ جَوْرًا ...»

زبان‌های آتش انقلاب در زمان آخرین، بیدادگران و تبه‌کاران را نابود و خاکستر وجودشان را بر باد دهد: «... فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً ...»^{۱۳} و زمام قدرت و حکومت جهانی را ویژهٔ گروهی مردم صالح و خداشناس سازد: «... وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ ...» که بزرگ‌ترین نمایندگان عدل الهی بر آنها حاکم است، در آن دولت باسعادت آن‌چنان حکم محکم عدل الهی و قانون حق بر شراشر و شرائین اجتماع^{۱۴} نافذ شود که در پرتو آن حتی جانوران و درندگان نیز صلح کنند تا چه رسد به انسان و ... «تَضَطَّلِحُ فِي مُلْكِهِ السَّبَاعُ».

این بشارت عظیم به نص قرآن در ذکر و زبور و برخی دیگر از کتب آسمانی نیز بیان شده و از جمله فرماید:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^{۱۵} «سورهٔ انبیاء، آیه ۱۰۵»

یعنی: ما به حقیقت این بشارت بزرگ را پس از ذکر^{۱۶} (تورات) در زبور یادآور شده‌ایم که در آینده وراثت^{۱۷} و حکومت تمامی عالم انسانی، ویژهٔ بندگان برگزیده و درستکار خواهد بود.

[۱۳]. «سورهٔ رعد، آیه ۱۷»: «أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيُهُ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَ مِمَّا يُوقَدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حُلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلَهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَ الْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَ أَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ» (همو) از آسمان آبی فرود آورد. پس (به طرف) گودی‌هایی به اندازهٔ گنجایششان روان شد، پس سیل کفی برخاسته بر خود را بسیار بار کرد. و از آنچه برای به دست آوردن زیتی یا کالایی در آتش می‌گذارند، همانند آن کفی بر می‌آید. خدا حق و باطل را چنین مثل می‌زند. و اما کف، پس بی‌مهابا به هدر می‌رود، ولی آنچه به مردم سود می‌رساند، در زمین همچنان (باقی) می‌ماند. خدا مثل‌ها را چنین می‌زند.]

[۱۴]. شراشر: تمام بدن، تمام جسد، سراسر اندام شخص. شرائین: جمع شریان، رگهای جهندهٔ عروق. اصطلاحاً یعنی در تمام بدنهٔ اجتماع تأثیر می‌گذارد.]

[۱۵]. و به راستی و درستی در زبور – پس از یادواره (ی تورات و انجیل و ...) – نوشتیم: «زمین را بی‌چون بندگان شایسته‌ام به ارث خواهند برد.» این میراث در حکومت جهانشمول حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است چنانکه در فصل ۳۷ زبور داود در آیاتی آمده است و رحمت جهانشمول این رسالت پایانی در زمان حضرتش نمودار خواهد شد. زبور هم – افزون بر زبور داود – در سایر کتابهای اسلامی نمودار است که کلاً در معنای عام زبورند. «ترجمان وحی»]

۱۶. «ذکر» در عرف قرآن به معنای: رسول، کتب آسمانی – عموماً تذکر الهی – و تورات موسی علیه السلام آمده است و مراد از ذکر در آیه فوق تورات است که زبور داود علیه السلام پس از آن نازل گردیده و تورات نیز دو معنی دارد: ۱- خاص ۲- عام؛ در صورت اول مراد پنج سفر تورات موسی علیه السلام است و در صورت دوم تمامی کتب انبیای بنی اسرائیل تا حضرت مسیح علیه السلام که کتابش انجیل نام دارد.

ذیلاً قسمتی از آیات زبور را که به این بشارت تصریح نموده، یادآور شده و تفصیل سخن در پیرامون سایر بشارت تورات را به کتاب «بشارت عهدین» محوّل می‌سازیم.

مکتوب الهی در زبور چیست؟

مضمون آیه فوق در مزمور ۳۷ زبور داود علیه السلام مکرراً ذکر شده: و خدا پس از تسلی و دلداری به حضرت داود علیه السلام که: از شیران^{۱۸} رنجیده مشو (۱) زیرا همچون علف زود بریده می‌شوند (۲) بر خدا توکل نمای و از او متلذذ باش (۳ و ۴) ... به او آرام گیر و به انتظارش به سر بر (۷) و ... فرماید: زیرا که شیران منقطع می‌شوند اما متوکلان به خدا، وارث زمین خواهند شد (۹) و حال اندک است که شیر، نیست می‌شود که هرچند مکانش را جستجو نمایی ناپیدا خواهد بود (۱۰) اما متواضعان وارث زمین شده از کثرت سلامتی متلذذ خواهند شد (۱۱) شیر به خلاف صادق افکار مذمومه می‌نماید و دندان‌های خویش را بر او می‌فشارد (۱۲) خدا به او متبسم است چونکه می‌بیند که روز او می‌آید (۱۳) شیران شمشیر را کشیدند و کمان را چله کردند تا آنکه مظلوم و مسکین را بیندازند و کمان‌های ایشان شکسته خواهد شد (۱۴) ... کمی صدیق از فراوانی شیران بسیار بهتر است (۱۶) چونکه بازوهای شیران شکسته می‌شود و خدا صدیقان را تکیه‌گاه است (۱۷) خدا روزهای صالحان را می‌داند و میراث ایشان ابدی خواهد بود (۱۸) ... متبرکان خدا وارث زمین خواهند شد اما ملعونان وی منقطع خواهند شد (۲۲) ... صدیقان وارث زمین شده ابداً در آن ساکن خواهند شد. (۲۹) الخ ...

پرچمدار عدل جهانی در کتاب اشعیا

به عنوان نهالی از تنه یسّی^{۱۹} معرفی شده چنانکه در (کتاب اشعیا، فصل ۱۸، آیه ۱ الی ۹) گوید: و نهالی از تنه یسّی^{۱۹} برآمده شاخه‌ای از ریشه‌هایش قد خواهد کشید (۱) و روح خداوند که روح حکمت و فطانت و روح مشورت و جبروت و روح

۱۷. لغت «وراثت» که در آیه فوق و آیات زبور یاد شده، در موردی مستعمل است که شخص یا گروهی نابود گردند و سپس عناوین و اموالشان به بازماندگان‌شان برسد. و از این جمله که در آینده صالحان وارث زمین خواهند شد، به خوبی مستفاد می‌گردد که حکومت بیدادگران و اشرار به کلی منقرض و بلکه طومار وجودشان در هم پیچیده خواهد شد و زمامداری صالحان بدون مزاحم و جهانی گردد ...

[۱۸. شَریر و شَریر: مفرد اشرار. به معنی شرور و فتنه‌انگیز، مضّر، ظالم، مفسد]

۱۹. یسّی (به معنی قوی) پدر حضرت داود علیه السلام و نوه راعوت^۱ بود و به طوری شهرت داشته که داود به آن عظمت را به عنوان فرزند یسّی می‌نامیدند و حضرت محمد بن الحسن علیه السلام از طرف مادری (نرجس) از نواده‌های یسّی می‌باشد؛ زیرا نرجس از دودمان داود علیه السلام بوده است.

[۱. «راعوت»، «راعوث»، «روت» یا «روث»: زنی از اجداد پدری حضرت داود علیه السلام از سرزمین «موآب» یا «موآب». او در دوره داوران^۲ از سرزمین موآب وارد سرزمین بنی اسرائیل شد. موآب ناحیه‌ای تاریخی که در شرق دریای مرده^۳ و در جنوب غربی اردن امروزی قرار گرفته است. بر اساس عهد عتیق ساکنان آن از نسل لوط بوده‌اند. «سفر راعوت» از اسفار عهد قدیم است.

۲. پس از وفات یوشع علیه السلام، بنی اسرائیل به خدا بی‌اعتقاد شدند و به گناه روی آوردند و به نزاع با یکدیگر پرداختند و گهگاه، مورد تاخت و تاز دشمنان قرار می‌گرفتند. در این دوره ۳۵۰ ساله که تا زمان طالوت و داوود ادامه یافت، هرگاه اسرائیلیان به درگاه خدای متعال روی می‌آوردند، خدا داورانی برای آنان بر می‌گزید. ماجراهای این دوره و نیز داستان ۱۲ داور در کتاب داوران آمده است. کتاب داوران یا قضاّت (Judges: سفر داوران) هفتمین بخش عهد عتیق است. درباره تاریخ نگارش و نویسنده این کتاب، چیز قابل استنادی موجود نیست ولی محققان درباره زمان گردآوری نهایی آن ۴۰۰ تا ۶۰۰ قبل از میلاد را تخمین زده‌اند.

علم و خشیت از خداوند است بر آن خواهد آرمید (۲) و او را در خشیت خداوند تیزهوش گردانیده موافق منظور نظرش حکم و مطابق مسموع گوش‌هایش تنبیه نخواهد فرمود (۳) بلکه ذلیلان را به عدالت حکم و برای مسکینان زمین به راستی تنبیه خواهد فرمود و زمین را به عصای دهانش زده به روح لب‌هایش شریر را خواهد کشت (۴) و کمر بند کمرش عدالت و وفا نطق میانش خواهد بود (۵) و گرگ با بره سکونت داشته ببر با بزغاله و هم گوساله و پرواری‌ها با شیر جوان هم‌خوابه خواهند شد و طفل کوچک، راعی^{۲۰} ایشان خواهد بود (۶) و گاو با خرس خواهد چرید و بچگان آنها با هم خواهند خوابید و شیر مثل گاو کاه بن را خواهد خورد (۷) و شیرخواره به سوراخ صاغر^{۲۱} مار، بازی خواهد کرد و کودک از شیر بازداشته شده دست خود را به مغاره^{۲۲} افعی دراز خواهد کرد (۸) و ...

سرور بزرگ میکائیلی

«موعود امم که زمامدار آخرین دولت جهانی است غیبتی طولانی و عمری دراز دارد و در عصر او گروهی از اموات رجعت کنند و هنگام قیام نامعلوم است.»
 عناوین فوق در برخی از کتب آسمانی بیان شده و ذیلاً یک نمونه آن را از نظر خوانندگان گذرانیده و تفصیل آن را به کتاب «بشارات عهدین» موکول می‌سازیم.

قائم برگزیدگان خدا

۱. پیشگویی دانیال نبی علیه السلام

در (کتاب دانیال، فصل ۱۲، آیه ۱ الی ۱۳) فرماید: در آن وقت سرور بزرگ میکائیلی که از جانب پسران قومت قائم است خواهد ایستاد، و زمان تنگنایی که از بودن طوائف تا سر این زمان نبوده است واقع شود، و در آن زمان قوم تو بر کسی که در کتاب مکتوب یافت شد، نجات خواهد یافت (۱) و از خوابندگان در خاک زمین، بسیاری بیدار خواهند شد بعضی جهت حیات ابدی و بعضی از برای شرمساری و حقارت ابدی (۲) و دانشمندان مثل ضیای سپهر، و کسانی که بسیاری را به راه صداقت رهبری نمایند مانند کواکب تا ابد درخشان خواهند بود (۳) ...

«میکائیل» بر حسب تصریح مکاشفه یوحنا، فصل ۱۲، آیه ۷ الی ۹ رئیس و پیشوای فرشتگان و از نظر لغوی به معنی «کیست مثل خدا؟» می‌باشد:

دانیال علیه السلام از انبیای بنی اسرائیل و پیرو شریعت تورات بوده و کتاب او جزو کتب عهد عتیق که عموماً تورات نامیده می‌شوند ثبت است.

۳. دریای مرده (بحر المیت) در مرز اردن و فلسطین و در کرانه باختری رود اردن واقع شده است. در برخی منابع از آن با نام دریاچه نمک یاد شده است. این دریا برای این دریای مرده نامیده می‌شود که هیچ جانور یا گیاهی به طور دائمی در آن زندگی نمی‌کند.

[۲۰. چوپان]

[۲۱. کوچک]

[۲۲. غار، پناهگاه]

و شخص مورد بشارت در «آیه ۱» که به عنوان سرور بزرگ میکائیلی معرفی شده و او را یگانه منجی بشریت در سخت‌ترین زمان تنگی و عسرت خوانده، ناگزیر سرور و پیشوای بی‌نظیر و یگانه جهان انسانی است که همچون میکائیل که رئیس و نماینده فرشتگان است وی نیز بزرگ‌ترین نماینده انبیای الهی و شاخص‌ترین موالید انسانیت است که با قیام جهانی خود اهداف مقدس پیغمبران را به یک‌جا عملی سازد و آیین الهی را بر رُبع مسکون حکمفرما نماید.

وی از جانب پسران قوم یعنی از طرف نتایج و برگزیدگان موالید وحی تا آن زمان ضیق و عسرت، قائم و آماده انقلاب است؛ به این معنی که برای مدتی طولانی از انظار پنهان و در انتظار امر لازم الاجراء الهی است و ...

يَا صَاحِبَ الدَّارِ^{۲۳}

«... وَ اللَّهُ لَأْمُرُنَا أَتَيْنُ مِنْ هَذِهِ الشَّمْسِ»^{۲۴}

«كَذَبَ الْوَقَاتُونُ»^{۲۵}

«يَرْكَبُ السَّحَابَ الَّذِي فِيهِ رَعْدٌ وَ ...»^{۲۶}

موعود ملل صاحب خانه است و شناسایی او از خورشید روشن‌تر و وقت ظهورش مجهول و به هنگام ظهور بر ابرهای پر از رعد سوار می‌شود و پرچمداران قشونش به سرعتی سریع‌تر از نور از اکناف جهان گردش فراهم آیند و ... این عناوین در اناجیل منسوبه به مسیح عليه السلام و برخی دیگر از کتب آسمانی و همچنین نصوص مستفیضة اسلامی مکرراً بیان شده و ذیلاً جملاتی از انجیل نقل می‌شود.

[۲۳. حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف]

[۲۴. به نقل از امام صادق عليه السلام. «الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص ۳۳۶، ح ۳ - بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۲، ح ۹ * ... مُحَمَّدٌ بْنُ عَصَامٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي مَجْلِسِهِ وَ مَعِيَ غَيْرِي ... فَقَالَ عليه السلام: «أَهْ هَذِهِ الشَّمْسُ مُضِيئَةٌ؟» قُلْتُ: نَعَمْ. قَالَ عليه السلام: «وَاللَّهِ لَأْمُرُنَا أَتُونَا مِنْهَا» «بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۴۷، ح ۱۹»]

[۲۵. «بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۱۷، ح ۴۴. به منابع دیگر مانند: کافی، الغيبة نعمانی و شیخ طوسی، الخرائج و الجرائح، احتجاج طبرسی و ... نیز مراجعه شود.].

[۲۶. این عبارت مضمون و خلاصه روایات است که به چند نمونه از آن اشاره می‌شود: ... أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: «إِنَّ ذَا الْقُرْنَيْنِ قَدْ خَيْرَ السَّحَابَيْنِ وَ اخْتَارَ الدَّلُولَ وَ دَخَرَ لِصَاحِبِكُمْ الصَّغْبَ». قُلْتُ: وَ مَا الصَّغْبُ؟ قَالَ عليه السلام: «مَا كَانَ مِنْ سَحَابٍ فِيهِ رَعْدٌ وَ صَاعِقَةٌ أَوْ بَرْقٌ فَصَاحِبِكُمْ يَرْكَبُهُ أَمَا إِنَّهُ سَيَرْكَبُ السَّحَابَ وَ يَرْقَى فِي الْأَسْبَابِ أَسْبَابَ السَّمَاءَاتِ السَّنْعِ وَ الْأَرْضِينَ السَّنْعِ ...» «بحار الأنوار، ج ۱۲، ص ۱۸۲، ح ۱۲ و نیز ج ۵۱، ص ۱۳۶ و ۱۳۷، ذیل روایت ۳»، «جزائری، نعمت الله بن عبد الله، النور المبين فی قصص الأنبياء و المرسلين، ص ۱۴۴، قم، چاپ: اول، ۱۴۰۴ق». منظور از «صَاحِبِكُمْ» در روایت، ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. * ... قَالَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى خَيْرٌ ذَا الْقُرْنَيْنِ السَّحَابَتَيْنِ الدَّلُولَ وَ الصَّغْبَ فَاخْتَارَ الدَّلُولَ وَ هُوَ مَا لَيْسَ فِيهِ بَرْقٌ وَ لَا رَعْدٌ وَ لَوْ اخْتَارَ الصَّغْبَ لَمْ يَكُنْ لَهُ ذَلِكَ لِأَنَّ اللَّهَ آخِرُهُ لِلْقَائِمِ عليه السلام». «مفيد، محمد بن محمد، الاختصاص، ص ۳۲۶، ایران، قم، چاپ: اول، ۱۴۱۳ق»، «بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۶۶۳، ح ۶۷۶۲، قم، چاپ: اول، ۱۳۷۴ش»، «صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم، ج ۱، ص ۴۰۹، ح ۴، ایران، قم، چاپ: دوم، ۱۴۰۴ق»، «شیخ حرّ عاملی، محمد بن حسن، إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، ج ۵، ص ۱۴۲، ح ۴۰۱، بیروت، چاپ: اول، ۱۴۲۵ق» و «قمی، عباس، سفینه البحار، ج ۴، ص ۸۸ و ج ۷، ص ۲۹۳، قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ق». در برخی منابع فوق الذکر سوارشدن بر «بر» به عنوان یکی از خصوصیات امیرالمؤمنین عليه السلام نیز بیان شده است.]

در (انجیل متی، فصل ۲۴، آیه ۲۳ الی ۴۲) پس از پیشگویی‌هایی راجع به زمان آخرین که: تاریک‌ترین ایام حیات بشر است و جهان آماده برای انفجار و انقلاب عظیمی گشته، در مورد تشخیص حامل لواء انقلاب جهانی فرماید:

پس اگر کسی شما را گوید که: اینک مسیح در اینجا است یا در آنجا است باور ننمایید؛ زیرا که مسیحیان دروغ^{۲۷} و پیغمبران کاذب خواهند برخاست (۲۳) ... پس هرگاه شما را گویند که اینک در صحرا است بیرون مروید یا آنکه در خلوتگاه است باور ننمایید (۲۶) زیرا که: چون برق که از مشرق بیرون می‌آید و تا مغرب ظاهر می‌گردد آمدن فرزند انسان^{۲۸} نیز چنین خواهد بود. (۲۷) ... و در آن وقت علامت فرزند انسان بر فلک ظاهر خواهد شد و خواهند دید فرزند انسان را بر ابرهای آسمان که می‌آید با قدرت و جلال عظیم (۳۰) و فرشته‌های خود را خواهد فرستاد با صور بلند آواز و آنها برگزیدگانش را جمع خواهند نمود از اطراف اربعه از اقصای فلک یا به طرف دیگر (۳۱) ... و هر آینه آسمان و زمین زائل خواهد شد و کلام من زائل نخواهد گشت.^{۲۹} (۳۵)

و در (انجیل مرقس، فصل ۱۳، آیه ۳۳ الی ۳۷) در مورد انتظار فرا رسیدن صاحب خانه فرماید: پس برحذر و بیدار شده دعا کنید؛ زیرا که نمی‌دانید که آن وقت کی می‌شود (۳۳) مثل کسی که عازم شده خانه خود را واگذارد و ملازمان خود را بر آن گماشته هر یکی را به شغلی خاص مقرر نماید و دربان را امر فرماید که بیدار بماند (۳۴) بدین طور بیدار باشید؛ زیرا نمی‌دانید که صاحب خانه کی می‌آید در شام یا بانگ خروس یا صبح (۳۵) مبدا ناگهان آمده شما را خفته یابد (۳۶) اما آنچه به شما می‌گویم به همه می‌گویم.^{۳۰} (۳۷)

بر ابرها سوار می‌شود

عنوان فوق که مستفاد از آیه ۳۰ انجیل متی می‌باشد، سیر و حرکت منجی بشریت را نیز خارق‌العاده خوانده است که: با قدرت و جلال بر ابرهای آسمان سوار شود و آسمان‌پیمای وی نیز از اجرام سماوی باشد. و خوشبختانه پیشرفت روزافزون عقل و علم بشر اعمالی را که در آغاز نظر محال و ناشدنی پنداشته می‌شود، ممکن و بلکه متحقق وانمود ساخته بخصوص پیش‌بینی‌هایی که در نصوص اسلامی و غیره در مورد کیفیت ظهور و تشکیل دولت مهدی علیه السلام شده در اثر ترقی محیرالعقول علم به افهام نزدیک می‌شود. مثلاً هواپیماهای جت و موشک‌های هدایت کننده اقمار مصنوعی روزنه‌ای برای پذیرفتن حرکات غیر عادی و سیرهای نوری می‌گشاید.^{۳۱}

۲۷. جمله مسیحیان دروغ بهترین گواه روشن است بر اینکه در این سخن مقصود از مسیح نیز خصوص عیسی بن مریم علیه السلام نیست بلکه به معنی مسح شده خدا و مؤید و برگزیده من عندالله است.

۲۸. مقصود از فرزند انسان نیز مسیح علیه السلام نیست؛ زیرا این خبر از آینده است و مسیح آن هنگام که اخبار می‌کرده خودش میان حواریین بوده است.

۲۹. این جمله که در انجیل متی و مرقس و لوقا تکرار شده، ربطی به اصل شریعت مسیح علیه السلام ندارد تا مورد استفاده و استدلال بر ابدیت و خاتمیت شرع مسیح علیه السلام قرار گیرد، بلکه کلام زائل ناشدنی بشارتی است که قبلاً مذکور داشته که: بشریت در تحت سیطره یک دولت الهی قرار خواهد گرفت.

۳۰. یعنی این تنبیه اختصاص به شما حواریین و پیروان من ندارد بلکه بشریت را به این آینده آگاه می‌سازم.

۳۱. نگارنده در کتاب «زمین و آسمان و ستارگان از نظر قرآن» که در دست طبع است در پیرامون آسمان‌پیمایی‌های کنونی و آینده و فضانوردهای عظیم سخنانی دارد مراجعه شود.

برگزیدگانش از اکناف جهان فراهم آیند

و عنوان فوق نیز که در آیه ۳۱ انجیل متی گذشت، افسران ارشد و خواص اصحاب حضرت مهدی علیه السلام را که به هنگام ظهور وی در شرق و غرب عالم پراکنده‌اند، در فاصله‌ای اندک مجذوب آن یگانه جاذبه الهی خوانده است که به سرعتی همچون نور گرد شمس فروزان مهدوی فراهم آیند؛ و ما این کیفیت آسمان‌پیمایی و حرکت محیرالعقول را که در آینده به وقوع خواهد پیوست، نمی‌توانیم محدود و مقصور بر علم فعلی نماییم، جز آنکه ترقیات علمی را برای نزدیک ساختن این حقایق به افهام استخدام می‌نماییم.

اهل هر لغت صدای حضرت مهدی علیه السلام را به لغت خود می‌شنوند

عنوان فوق نیز که مستفاد از نصوص اسلامی است مورد تأیید علم و پیشرفت روزافزون اکتشافات بشر است. گرچه نگارنده بر وضع فعلی برای اثبات این حقیقت جمود نمی‌نماید و مدّعی نیست که حضرت مهدی علیه السلام از دستگاه‌های فرستنده‌ای که مجهّز به دستگاه‌های مترجم است با دنیا سخن می‌گوید. بلکه این واقعیت علمی را استخدام نموده که اینگونه حقایق مذهبی را از صورت امتناع و وهم به چهره امکان و واقعیت نمودار سازد.

اخیراً بشر توانسته است اضافه با فرستادن امواج صدا توسط دستگاه‌های فرستنده و متعدد ساختن یک لغت را به وسیله دستگاه‌های مترجم و فرستادن صورت‌ها از مجرای تلویزیون، فرستادن اجسام و ابدان آدمی و غیر آدمی را نیز همچون امواج صدا به اطراف و اکناف جهان به مرحله وقوع نزدیک کند.

ولی ما از منطق وحی یافته‌ایم که گیرنده توانای روح قدوسی موعود ملل و پرچمدار انقلاب روحانی حضرت حجة بن الحسن علیه السلام به سرعت نور تعداد سیصد و سیزده نفر از افسران ارشد و خواص اصحابش را از سراسر جهان نزد وی جمع می‌نماید.

«عند ذلك، یری من فی المغرب الذی هو فی المشرق»^{۳۲}

دستگاه تلویزیون تاکنون توانسته است در فاصله حدود دویست کیلومتر صورت‌ها را منعکس سازد ولی عنوان فوق که در روایات اسلام در دولت مهدی علیه السلام پیش‌بینی شده است، تمامی جهان را در برابر دیدگان مردم روشن و آشکار وانمود ساخته که مشرقی مغربی را و بالعکس از فاصله طویل شرق و غرب در دولت مهدی علیه السلام بنگرد.

[۳۲]. مضمون و خلاصه روایت امام صادق علیه السلام: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَ هُوَ بِالْمَشْرِقِ لَيَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ وَ كَذَا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَشْرِقِ» «بحار الأنوار»، ج ۵۲، ص ۳۹۱، ح ۲۱۳ و «شیخ حرّ عاملی، محمد بن حسن، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، ج ۵، ص ۲۱۴، ح ۷۸۸، بیروت، چاپ: اول، ۱۴۲۵ق» * «إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَ هُوَ بِالْمَشْرِقِ لَيَرَى أَخَاهُ وَ كَذَا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ وَ كَذَا الَّذِي بِالْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ الَّذِي بِالْمَشْرِقِ» «سید بهاء الدین نیلی نجفی، علی بن عبد الکریم، سرور أهل الإيمان فی علامات ظهور صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، النص، ص ۱۱۵، ایران، قم، چاپ: اول، ۱۴۲۶ق». در زمان ظهور حضرت ولی امر عجل الله تعالی فرجه الشریف وسایل برای دیدن‌ها و شنیدن‌ها از راه‌های دور - کلاً - مقرر است، چنانکه در روایاتی چند بیان گشته و اکنون هم تا اندازه‌ای محقق است. «ترجمان فرقان، ج ۴، ص ۸۲»]

طول عمر و غیبت حضرت مهدی علیه السلام

تاکنون ۱۱۳۱ سال^{۳۳} از عمر حضرت مهدی علیه السلام می‌گذرد و این مقدار عمر گرچه موافقت با میزان عادی و معمولی عمر انسانی در زمان ما ندارد و شاید از این لحاظ برخلاف عادت است ولی تواریخ امم گذشته گواهی می‌دهد که در میان گذشتگان گروهی بیش از این مقدارها زندگی کرده و یا به این حدود ادامه حیات داده‌اند و کتب پیمبران الهی محکم‌ترین مدرکی است که شاهد بر مدّعی فوق می‌باشد و نگارنده از تمامی این مراحل گذشته به صراحت لهجه مدّعی است که ما معتقدین به مهدی موعود اسلام علیه السلام هرگز التزامی نداریم که هیچ چیز آن بزرگ‌مرد الهی فوق عادت نباشد؛ زیرا اصولاً تشکیل دولت جهانی آن هم با سلاح سرد خود حادثه‌ای است بی‌نظیر که از آغاز خلقت بشر تاکنون هرگز اتفاق نیفتاده است و این خرق عادت عظیم چیزهای دیگری را از قبیل طول عمر و ... تحت‌الشعاع قرار داده است.

با این وصف نمونه‌ای از براهین عقلی و تجربی و نقلی را در این مورد به نظر خوانندگان عزیز می‌رسانیم. جهان طب و مزاج‌شناسی تا حدودی ثابت و مبرهن نموده است که می‌توان عمر آدمی را به چندین برابر افزایش داد، بدین وسیله که عوامل بهداشت و سلامتی را آن‌گونه که شاید در مزاج رعایت نموده و علل فساد و زوال آن را مرتفع ساخت. مجله‌الهلل در جزء پنجم ص ۶۰۷ مارس ۱۹۳۰ از قلم یک دکتر انگلیسی می‌نویسد: برخی از دانشمندان توانسته‌اند عمر حشره میوه‌جات را به نهصد برابر افزایش دهند، بدین وسیله که او را از سم و مواد موزیه حفظ کرده، وضع مناسبی برای ادامه زندگی او فراهم آورند.

و روی این قیاس اگر عمر طبیعی انسان را مثلاً ۸۰ سال در نظر بگیریم، امکان افزایش عمر آدمی به ۷۲۰۰۰ سال می‌رسد. شیخ طنطاوی^{۳۴} در جزء [(جلد)] ۱۷ تفسیر خود، ص ۲۲۴ در ذیل تفسیر: ﴿وَمَنْ نُّعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ﴾^{۳۵} «سوره یس، آیه ۶۸» گوید: به احتمال و امکان نزدیک بشر خواهد توانست عمر خود را بسیار طولانی کرده و قوای فرسوده پیری را به قوه جوانی عودت دهد؛ و استاد دکتر فورد که شهرت جهانی دارد و نامش همچون مبشر طبری در اکناف عالم پیچیده به این نظریه تصریح کرده و گفته است: تاکنون حدود ششصد تجربه در مورد افزایش عمر حیوانات شده و تمامی آنها به نتیجه مثبت رسیده و صریحاً می‌گویم که قبل از پایان قرن بیستم، بشر خواهد توانست موضوع پیری را از میان ببرد و یا آن را برای مدت زیادی تأخیر اندازد و پیش‌بینی می‌شود که بتوان اشکال و صورت‌ها را بر حسب امیال اشخاص تغییر داد.^{۳۶}

[۳۳] با توجه به اینکه معظم له تاریخ ولادت حضرت ولی عصر علیه السلام را سال ۲۶۰ ق بیان فرموده‌اند، این کتاب را تقریباً در تاریخ ۱۳۹۱ ق و به سال شمسی ۱۳۴۹ یا ۱۳۵۰ ش تألیف نموده‌اند. والله العالم]

[۳۴] شیخ محمد طنطاوی جوهری، از عالمان بزرگ و حکما و فضلاء اهل تسنن، مصری و اشعری است که در سال ۱۲۸۷ ق متولد شد و در سوم ذیحجه سال ۱۳۵۸ ق مصادف با ژانویه ۱۹۴۰ م درگذشت. تفسیر «الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم» از معروفترین تألیفات اوست که به «تفسیر طنطاوی» نیز شهرت دارد.]

[۳۵] و هر که را عمر دراز دهیم، او را در آفرینش و میان آفریدگان - (بجز معصومان علیهم السلام) فروکاسته (و نگونسار) گردانیم. آیا پس خردورزی نمی‌کنید؟ «ترجمان وحی»]

[۳۶] برای اطلاع بیشتر به کتاب مهدی موعود (ترجمه جلد ۵۱ بحارالانوار، مترجم: علی دوانی)، مقدمه، ص ۱۴۲ الی ۱۴۹، تهران، چاپ: بیست و هشتم، ۱۳۷۸ ش مراجعه شود.]

در قرآن نیز نمونه‌هایی از افزایش عمر برخی از موجودات و همچنین انسان بیان شده و از جمله در مورد غذا و مایعی که عزیر پیغمبر همراه خود داشت فرماید: «أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَ هِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ يَوْمًا أَوْ بَعْضُ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانْظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَ شَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَ انْظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَ لِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَ انْظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنْشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (سوره بقره، آیه ۲۵۹): یا مانند کسی که بر قریه‌ای گذر کرد (عزیر پیغمبر) درحالی که به کلی ویران گشته بود. گفت: چه زمان خدا این مردگان را پس از مرگ زنده خواهد کرد؟ پس خدا وی را به مدت صد سال میراند و سپس زنده کرد فرمود: چه اندازه در این مکان آرمیده بودی؟ گفت: یک روز یا نصف روز، فرمود: چنان نیست بلکه تو صد سال در این مکان مرده و بی‌جان بودی. اینک به غذای خوردنی و آشامیدنی خود بنگر، چگونه هرگز تغییر نیافته! و الاغ خود را بنگر (که حتی استخوان‌هایش خاک شده) ما باید تو را نشانه قدرت خود بر زنده کردن مردگان قرار دهیم. بنگر استخوان‌های پوسیده مردگان را چگونه به هم می‌پیوندیم. سپس گوشت بر آنها می‌پوشانیم چون کار خدا بر او روشن و نمودار گردید گفت: می‌دانم که خدا بر هر کار توانا است.

شاهد سخن در این آیه جریان آب و غذای عزیر است که به صریح آیه فوق در مدت طولانی یکصد سال مرگ عزیر هرگز تغییر نیافته. و ترجمه مفهومی «لَمْ يَتَسَنَّهْ»: [به اصطلاح] خم به ابرویش نیامده است. در خبر است که غذای عزیر انجیر و آشامیدنی وی اندکی آب انگور بوده.

اینک با توجه به اینکه این دو جنس مختلف حداکثر بیش از دو و یا سه الی پنج روز قابل بقاء نیستند، به طوری که انجیر گندیده و یا خشک نشود و آب انگور تبخیر و غلیظ و یا فاسد نگردد، به این نتیجه می‌رسیم که عمر پنج روزه این دو ماده به صد سال یعنی ۷۳۰۰ برابر به قدرت الهی افزایش یافته و روی این قیاس چنانچه عمر طبیعی آدمی را ۸۰ سال منظور کنیم، امکان افزایش عمر انسان به میزان ۵۸۴۰۰۰ سال یعنی ۵۸۴۰ قرن خواهد رسید.

و برای اینکه این تخمین موجب حیرت نگردد توجه خوانندگان را به قصه یونس بن متی عطف می‌نمایم چنانکه در قرآن تصریح فرماید که: «فَلَوْ لَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ * لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ» (سوره صافات، آیه ۱۴۳ و ۱۴۴): اگر یونس (که به امر ما در شکم ماهی زندانی شده بود) خدا را در این زندان تاریک تسبیح و تقدیس نمی‌کرد (و از عمل ترک اولای خویش به سوی خدا انابه نمی‌نمود) هر آینه به طور حتم در شکم ماهی تا روز رستاخیز درنگ می‌نمود.^{۳۷} و معلوم است که درنگ یک موجود زنده و حتی مرده در شکم حیوانی دریایی مانند ماهی، به طوری که هضم و نابود نشود، بیش از حد اکثر ده روز و یا یک ماه نیست، و افزایش دادن عمر یکماهه به عمر جهان آفرینش که پایش قیامت است، از حد حساب و شمار برون است.

[۳۷] و این ماندن مشروط در شکم ماهی هزاران برابر عمر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و حضرتش با برتری‌هایی نسبت به یونس علی‌ه السلام هم برای نجات کل جهانیان بسی سزاوارتر از حضرت یونس علی‌ه السلام است که هزاران برابر در غیبت بماند. «ترجمان وحی، ذیل آیه ۱۴۳ و ۱۴۴ سوره صافات».

از این مرحله که بگذریم، قرآن عمر دعوت برخی از انبیاء مانند نوح علیه السلام را حدود ده قرن ذکر نموده چنانکه می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ﴾^{۳۸} «سوره عنکبوت، آیه ۱۴».

این آیه چنانکه اشاره شد، تنها مدت رسالت نوح علیه السلام را ۹۵۰ سال خوانده و مسلماً قبل از رسالت سالیانی از عمر وی گذشته بوده و نیز قرآن عمر شیطان را که رهبر گمراهان و گمراه‌کنندگان است و موجودی است آتشین، ﴿إِلَىٰ يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾^{۳۹} معرفی نموده و در خبر است که آن روز آغاز دولت مهدی موعود اسلام است. آیا آب و غذای عزیز که نگهبانی‌اش به منظوری خاص برای مصرف عزیز ضروری بود، از شخصیت زمامدار آخرین دولت جهانی حضرت محمد بن الحسن علیه السلام برتر است؟!

و آیا شیطان گمراه‌کننده این مقدار بهره از عمر دارد ولی واژگون سازنده کاخ اهریمنان و بیدادگران شایسته این‌گونه عمر طولانی نیست؟!

نگارنده صریحاً دعوی می‌کند که اگر هم نمونه‌های افزایش عمر را به کلی نادیده انگاریم، طول عمر بزرگ‌ترین پرچمدار انقلاب جهانی حضرت بقیه الله علیه السلام هرگز جای انکار و استبعاد نیست؛ زیرا آن بزرگ‌مرد همه چیزش خرق عادت و ممتاز و منحصر به خود او است و تنها انقلاب صالح جهانی و تشکیل دولتی که تمامی دولت‌ها پیرو آن گردد و قانونی که تمامی امت‌ها از آن پیروی کنند و ایجاد وحدت عقیده و ... خود بارزترین نمونه خرق عادت از آن بزرگ پرچمدار عدالت است و نصوص متواتره کتب آسمانی و روایات اسلام که بالغ بر ۳۱۸ روایت است، به طول عمر حضرت تصریح نموده‌اند.

باش تا صبح دولت بدمد کاین هنوز از نتایج سحر است

قائم آل محمد حضرت مهدی محمد بن الحسن علیه السلام را بشناسید

روایات متواتره‌ای که از حدود یکصد و پنجاه کتاب علما و محدثین فریقین از پیغمبر و ائمه اسلام علیهم السلام به ما رسیده است، موعود اسلام علیه السلام را که حامل لواء انقلاب جهانی است، به تمامی امتیازات و علامات معرفی نموده و جای دعوی مهدویت برای احدی باقی نگذاشته است.

و نگارنده برای توجه بیشتر و عمیق‌تری که شایسته است خوانندگان در مورد این شخصیت عظیم و یگانه معطوف دارند، مشروح سخن را به کتب مفصله محوّل، و چکیده مضامین روایات مشارّإلیها را با اشاره به تعداد احادیث هر یک از عناوین مذکور می‌دارد:

موعود اسلام که نامش نام پیغمبر اسلام (محمد صلی الله علیه و آله و سلم) و کنیه‌اش کنیه او است (ابوالقاسم) «۴۸ حدیث»، دوازدهمین و آخرین امامان و پیشوایان اسلام «۱۸۵ ح» و یازدهمین فرزند علی بن ابیطالب علیه السلام «۲۱۴ ح»، از حضرت فاطمه دختر

[۳۸] و به راستی و درستی، نوح را سوی قومش فرستادیم. پس در میان آنان نهصد و پنجاه سال (در رسالتش) درنگ کرد. پس طوفان آنان را در حالی که (از)

ستمکاران بودند فرو گرفت. «ترجمان وحی»]

[۳۹] تا روز وقت معلوم. «سوره حجر، آیه ۳۸ و سوره ص آیه ۸۱»]

پیغمبر ﷺ «۱۹۲ ح» و نهمین فرزند حسین بن علی ﷺ «۳۰۸ ح» و هشتمین از علی بن الحسین ﷺ «۱۸۵ ح» و هفتمین از محمد بن علی الباقر ﷺ «۱۰۳ ح» و ششمین از جعفر بن محمد الصادق ﷺ «۲۰۲ ح» و پنجمین از موسی بن جعفر ﷺ «۱۹۹ ح» و چهارمین از علی بن موسی ﷺ «۹۵ ح» و سومین از محمد بن علی النقی ﷺ «۹۰ ح» و دومین از علی بن محمد النقی ﷺ «۹۰ ح» و فرزند بلافضل از صلب حضرت حسن بن علی العسکری ﷺ است «۲۹۳ ح» که در سنه ۲۶۰ هجری در خانه آن حضرت «۲۹۳ ح» در خفیه و پنهانی متولد گردید «۱۴ ح».

عمرش بسیار طولانی است «۳۱۸ ح» و زمانی دراز از انظار پنهان خواهد بود «۹۱ ح» و غیبتش به دو قسمت صغری و کبری منقسم است «۱۰۱ ح». آیین وی همان آیین اسلام و کتابش قرآن است که جهانیان را بدان دعوت می‌نماید و در تمامی روی زمین، دولت واحد اسلامی تشکیل خواهد داد «۶۲ ح».

در آن دولت باسعادت عدل واقعی بر تمام شئون اجتماع حکومت کند و جهان انسانی پس از آنکه پر از ظلم و انحراف شده، از عدل و خداشناسی پر شود «۱۲۳ ح». قیامش با شمشیر است «۷ ح» و معجزات و امتیازات انبیاء الهی در وی یکجا جمع است «۲۳ ح». ۳۱۳ نفر اصحاب خاص و پرچمداران قشون وی از اکناف عالم به سرعت برق گردش فراهم آیند «۲۵ ح». حضرت مسیح علیه السلام در نماز به وی اقتداء نماید «۲۹ ح» و قائم آل محمد ﷺ را منادی آسمانی به نام و نشان معرفی کند «۲۷ ح». وقت ظهورش بر احدی حتی بر خودش معلوم نیست «۷ ح».

اعتقاد به مهدی موعود اسلام تقریباً مورد اتفاق عموم فرق اسلامی است و احادیث متواتره فوق را اضافه بر علما و محدثین شیعه، گروه بسیاری از علمای عامه از پیغمبر اکرم ﷺ روایت کرده‌اند مانند: احمد، ابی داود، ابن ماجه، ترمذی، بخاری، مسلم، شافعی، نسائی، بیهقی، ماوردی، طبرانی، سمعانی، رویانی، عبدزّی، حافظ عبدالعزیز عکبری در تفسیر خود، ابن قتیبه در غریب الحدیث، ابن السری، ابن عساکر، دارقطنی، کسائی، بغوی، ابن اثیر، حاکم، ابن عبدالبر، حافظ ابن مطیق، فرعانی، نمیری، مناوی، ابن شیرویه، دیلمی، سبط ابن جوزی، شارح معتزلی، ابن صباغ مالکی، حموی، ابن مغازلی شافعی، موفق بن احمد خوارزمی، محب الدین طبری، شبلنجی، صبان، شیخ منصور علی ناصف و گروه کثیری دیگر که مجال ذکر نام تمامی آنها نیست.

و اضافه بر اینکه عموم علما و محدثین شیعه قائل به تواتر اخبار مهدی موعود اسلام می‌باشند گروه بسیاری هم از محدثین و بزرگان علمای عامه موافقت خود را با عقیده به تواتر روایات فوق تصریح نموده‌اند مانند:

ابن ابی الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه (طبع مصر، ج ۲، ص ۵۳۵) گوید: تمامی فرق مسلمین اتفاق عقیده دارند که جهان تکلیف پایان نخواهد یافت مگر بر دولت حضرت مهدی علیه السلام.

و در حاشیه صحیح ترمذی (ص ۴۹، ج ۲، طبع دهلی، سال ۱۳۴۲) از شیخ عبدالحق در لمعات نقل کرده است که: احادیث متواتره اسلام مهدی موعود را از اولاد فاطمه علیها السلام معرفی نموده است.

و نیز صبان در «إسعاف الرّأغبین» (ص ۱۴۰، باب ۲، طبع مصر، سال ۱۳۱۲)، شبلنجی در «نور الأبصار» (ص ۱۵۵، طبع مصر، سال ۱۳۱۲)، ابن حجر در «الصّواعق المحرّقه» (ص ۹۹، طبع مصر)، ابوالحسن آبری، سید احمد بن سید زینی دحلان فقیه شافعی در «الفتوحات الإسلامیة» (ج ۲، ص ۲۱۱، طبع مصر، سال ۱۳۲۳)، سویی در «سبائك الذّهب» (ص ۷۸)، ابن خلدون در «مقدمه» و شیخ منصور علی ناصف در «غایة المأمول» (ج ۵، ص ۳۶۲، باب ۷)، حافظ در «فتح الباری» (ج ۵، ص ۳۸۲)،

گنجی شافعی در «البيان في أخبار صاحب الزّمان» (باب ۱۱)، احمد امين در «المهدى و المهديّة» (ص ۱۰۶) و نیز در «كفاية الموحّدين»^{۴۰} به نقل از شافعی و در كتاب «البرهان في علامات مهدى آخر الزّمان»^{۴۱} از چهار نفر علمای بزرگ مذاهب اربعه و گروهی دیگر از علمای عامّه که مجال ذکر تمامی آنها نیست، تصریح نموده‌اند که:

روایات اسلام درباره مهدی موعود آخر الزّمان متواتر و مقبول نزد عموم مسلمین است. (مدارك فوق اختصاری است از آنچه در كتاب «منتخب الأثر»^{۴۲} بیان شده است.)

برخی از مدّعیان مهدویّت

جای بسی تعجّب و در عین حال خوشبختی است که برخی از مدّعیان و یا منتسبان به دعوی مهدویّت تصریحاتی گوناگون بر کذب دعوی خود نموده‌اند از جمله: علی محمد شیرازی که شیطان استعمار وی را به عنوان بنیان گذارنده آیین نوین وانمود ساخته در قسمتی از مکتوبات خودش - که پیروانش همچون عورت، آن را از دیگران پنهان می‌دارند و در دسترس نگارنده عکس خط و نوشته‌اش موجود است - اعترافاتی علیه خود دارد:

۱. در تفسیر سورة يوسف، خود را بنده حضرت محمد ابن الحسن علیه السلام خوانده گوید: «ان الله قد قدر أن يخرج ذلك الكتاب في تفسير أحسن القصص من عند محمد بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسين بن علی بن ابيطالب علی عبده ليكون حجة الله من عند الذكر علی العالمين بليغاً و من يكفر بالإسلام لن يقبل الله عنه من أعماله شيئاً ...»^{۴۳}

یعنی: خدا مقدّر فرموده که این كتاب در تفسیر سورة يوسف صادر شود از حضرت محمد بن الحسن بن ... علی بن ابيطالب بر بنده‌اش (علی محمد شیرازی) که حجت خدا باشد از طرف قرین الشرف وی بر جهانیان با کمال بلاغت و هر کس به دین اسلام کافر شود (آیین دیگری برگزیند) به هیچ وجه خدا اعمال او را نمی‌پذیرد.

۲. در «سورة الكتاب» از تفسیر سورة يوسف گوید: «يا أيها الملأ أنا باب إمامكم المنتظر ...»^{۴۴}؛ ای مردم من باب و وسیله طرف امام مورد انتظار شمایم.

۳. و در «سورة السر» از تفسیر سورة يوسف گوید: «[أني عبدالله] آتاني البينات من عند بقية الله إمامكم المنتظر»^{۴۵}.

۴. و در همین سوره گوید: «يا بقیة الله، قد فديت بكلي لك و رضيت السب في سبيلك و ما تمنيت إلا القتل في محبتك ...» ای آنکه آخرین حجت پروردگاری، به تحقیق سراپای خود را برای تو فدا کردم و در راه تو به شنیدن فحش و ناسزا خشنودم و هرگز آرزویی به جز شهادت در راه تو را ندارم ...

[۴۰. كفاية الموحّدين في عقائد الدّين، تأليف: سيّد اسماعيل بن احمد طبرسي نوري]

[۴۱. تأليف: علاء الدّين علي بن حسام الدّين، مشهور به متقي هندی]

[۴۲. تأليف: آية الله لطف الله صافي گلپایگانی]

[۴۳. كتاب رحيق مختوم، تأليف: اشراق خاوري (مبلّغ بهائي)، جلد ۱، ص ۲۲]

[۴۴. يا أيها الملأ أنا باب إمامكم المنتظر يقول من أتبعني فإنه مني و من عصاني فإن الله قد أعد له في القيامة ناراً من نار حديد كبيراً. «أحسن القصص، ذيل آية ۵۵ از سورة يوسف»]

[۴۵. من بنده خدایم که مرا از جانب بقیة الله امام منتظر شما نشانه‌ها داده است.]

۵. و در تفسیر سوره بقره در ذیل بیان نمونه‌های غیب گوید: «و محلّ تفصیل هذا الغیب، هو القائم محمد بن الحسن علیه السلام».

یعنی نمونه روشنی از غیب در آیه: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ...»^{۴۶}، حضرت قائم آل محمد علیه السلام محمد بن الحسن علیه السلام است.

۶. و در ذیل آیه: «وَ إِذْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ...»^{۴۷} «سوره اعراف، آیه ۱۴۱: به طول عمر آن حضرت اشاره کرده گوید: «و انّ آل الله سلام الله عليهم في رتبة جسمهم الظاهرة أقوى من افئدة الجنان لولا يقتلهم أحد لا يموتون لأن اجسادهم كانت معتدلة و لا يجرى التغير لهم كما يكون الحجة محمد بن الحسن حياً عذب الله قوماً قتلوهم.» اهل الله بندگان معصوم خدا از پیامبران و امامان علیهم السلام در مرتبه جسم ظاهری خود از ارواح دگران نیرومندترند، و اگر کسی آنها را به قتل نرساند هرگز نمی‌میرند؛ زیرا بدن‌هایشان در کمال اعتدال بوده و تغییرات و انحرافات در مزاجشان پدید نمی‌آید، چنانکه حضرت حجت محمد بن الحسن نیز تاکنون زنده است، خدا عذاب کند گروهی را که آنان را کشتند.

۷. و در تفسیر بسم الله آن حضرت را به عنوان خاتم ائمه علیهم السلام که قائم و غائب از انظار است معرفی کرده و برای احیای قرآن و سنت اسلام راجع به تعجیل فرج آن حضرت دعا نموده گوید: «فَتَمَّتْ كَلِمَةُ الْحَقِّ صِدْقاً وَ عَدْلاً لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِكَ وَ لَا مُعَقِّبَ لآيَاتِكَ بِخَاتِمِهِمْ وَ قَائِمِهِمُ الْغَائِبُ الْمَشْتُورُ الْمُخْفِي عَنْ عَوَالِمِهِمْ وَ مَوَاطِنِ الظَّالِمِينَ وَ أَهْلِ الشُّرُورِ، عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ لِأَحْيَاءِ الْكِتَابِ وَ السَّنَةِ»^{۴۸} پس تمام شد کلمه حق الهی به صدق و عدالت (و هرگز کسی نخواهد توانست کلمات الهی را تغییر دهد) به آخرین حجت‌های الهی که قائم و غائب و پنهان از انظار و مکان‌های بیدادگران است. خدا فرج و دولت او را تعجیل فرماید برای زنده گردانیدن قرآن و سنت اسلام.

ولی با تمامی این اعترافات و تصریحات پس از مدتی چه شد که خود دعوی مهدویت کرد؟ منطق عقل محملی بجز جنون وی و پیروانش نمی‌تواند معرفی کند.

به دنباله این رسوایی حسینعلی نوری (مازندرانی)^{۴۹} که از پی دعاوی علی محمد شیرازی سر از نبوت و الوهیت و مافوق آنها نیز برون آورده، تنها در یکی از نوشته‌های خود به نام سوره هیکل شانزده مرتبه دعوی خدایی کرده که نمونه‌ای از آنها مذکور می‌شود:

[۴۶. سوره بقره، آیه ۳: کسانی که به غیب (عقلانی و حیانی) ایمان می‌آورند، و نماز را بر پا می‌دارند، و از آنچه: (از حال و مال) روزیشان دادیم انفاق می‌کنند. «ترجمان وحی»]

[۴۷. و چون شما را از فرعونیان نجات دادیم، در حالی که شما را سخت شکنجه می‌کردند، پسران را می‌کشتند و زنان را زنده و بی‌حیا باقی می‌گذاشتند. حال آنکه در این (عذاب بزرگ) برای شما بلایی بزرگ از جانب پروردگارتان است. «ترجمان وحی»]

[۴۸. در دعای شب نیمه شعبان آمده است: «اللَّهُمَّ بِحَقِّ لَيْلَتِنَا هَذِهِ وَ مَوْلُودِهَا وَ حُجَّتِكَ وَ مَوْعُودِهَا، الَّتِي قَرَنْتَ إِلَى فَضْلِهَا فَضْلاً فَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ صِدْقاً وَ عَدْلاً لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِكَ وَ لَا مُعَقِّبَ لآيَاتِكَ، نُورُكَ الْمَتَّالِيُّ وَ ضِيَاؤُكَ الْمَشْرِقُ وَ الْعَلَمُ النُّورُ فِي طَحْيَاءِ الدُّبُورِ، الْغَائِبُ الْمَشْتُورُ جَلَّ مَوْلُودُهُ وَ كَرَّمَ مَحْتَدُهُ، وَ الْمَلَايِكَةُ شُهَدَاؤُهُ وَ اللَّهُ نَاصِرُهُ وَ مُؤَيِّدُهُ إِذَا أَنْ مِيعَادُهُ، وَ الْمَلَايِكَةُ أَمْدَادُهُ سَيِّفُ اللَّهِ الَّذِي لَا يَنْبُو وَ نُورُهُ الَّذِي لَا يَخْبُو وَ ذُو الْحِلْمِ الَّذِي لَا يَضْنُو مَدَارَ الدَّهْرِ وَ نَوَافِيسُ الْعَصْرِ وَ وِلَاةُ الْأَمْرِ وَ الْمُنْزِلُ عَلَيْهِمُ الذِّكْرُ وَ مَا يَنْتَزِلُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ أَصْحَابُ الْحَشْرِ وَ النَّشْرُ تَرَاجُمُهُ وَ حِيَهُ وَ وِلَاةُ أَمْرِهِ وَ نَهْيِهِ، اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى خَاتِمِهِمْ وَ قَائِمِهِمُ الْمَشْتُورِ عَنْ عَوَالِمِهِمُ، اللَّهُمَّ وَ أَدْرِكْ بِنَايَا أَمَامِهِ وَ ظُهُورَهُ وَ قِيَامَهُ وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَنْصَارِهِ وَ افْرَنْ قَارَنَا بِقَارِهِ، وَ اكْتُبْنَا فِي أَغْوَانِهِ وَ خُلَصَائِهِ، وَ أَخِينَا فِي ذَوَلَّتِهِ نَاعِمِينَ وَ بِصُحْبَتِهِ غَانِمِينَ وَ بِحَقِّهِ قَائِمِينَ وَ مِنْ الشُّوءِ سَالِمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الصَّادِقِينَ وَ عَثَرَتِهِ النَّاطِقِينَ وَ الْعَنْ جَمِيعَ الظَّالِمِينَ وَ اخْكُمُ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ يَا أَهْلَ الْحَاكِمِينَ» «مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، زاد المعاد - مفتاح الجنان، ص ۵۵، بیروت، چاپ: اول، ۱۴۲۳ق»]

[۴۹. معروف به بهاء الله، متوفای ۱۳۰۹ق در ۷۶ سالگی]

«لم ازل كنت ناطقاً في جبروت البقاء ائننى أنا الله لا إله إلا أنا المهيمن القيوم» «كتاب مبين، صفحه ٢١»

هنگامی دیگر نیز خود را مسجود و معبود عالمیان خوانده گوید: «تالله قد ظهر محبوب العالمين و مقصود العارفين و معبود

من في السموات و الأرضين و مسجود الأولين و الآخرين». «كتاب مبين یا آثار قلم اعلی، ج ١، صفحه ٤٨»

و زمانی هم خود را خدای زندانی یگانه خوانده در زندان «عکا»^{۵۰} گوید: «اسمع ما يوحى من شطر البلاء على بقعة المحنة و

الابتلا من سدره القضاء انه لا إله إلا أنا المسجون الفريد».^{۵۱} «كتاب مبين، صفحه ٢٨٦»

و هنگامی بر نادانی و جسارت مردمی که او را به زندان انداختند تأسف خورده که چگونه خدای آفریدگار خویش را زندانی

کرده‌اند و گوید: «تفكر في الدنيا و شأن أهلها انّ الذي خلق العالم لنفسه قد حبس في اخب الدّيار [بما اكتسبت أيدي

الظالمين.]»^{۵۲} «كتاب مبين، صفحه ٧٤»

و وقتی که گرفتار شد خود را خدای اسیر به زیر شمشیر مشرکان خوانده گوید: «كذلك يأمركم ربكم الأبهى إذا كان جالساً

تحت سيوف المشركين».

و برای روز ولادتش گوید: «اليوم ولد فيه من لم يلد و لم يولد».

بخوانید و بخندید و بر حال زار گروهی ناآگاه گریه کنید.

﴿... وَ السَّلَامُ عَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى﴾^{۵۳}

تهران - محمد صادقی

[^{۵۰} نام شهری بندری در استان شمالی اسرائیل که مقبره بهاء الله آنجا واقع شده و هم اکنون قبله بهائیان است.]

[^{۵۱} بشنو آنچه را که وحی می‌شود از مصدر بلا بر زمین غم و اندوه از سدره قضا بر ما به اینکه نیست خدایی جز من زندانی یکتا.]

[^{۵۲} درباره دنیا و حالات مردم آن بیندیش؛ زیرا آنکه جهان را برای خود خلق کرد، در خراب‌ترین مکان‌ها به دست ستمکاران زندانی است.]

[^{۵۳} سورة طه، آیه ۴۷]